

فصلنامه علمی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال چهاردهم، شماره سی‌وپنج، تابستان ۱۴۰۲، صفحات ۹۱-۱۱۴
مقاله پژوهشی (DOI): 10.22034/JIIPH.2023.55468.2410 شناسه دیجیتال

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۸

زمینه‌ها و ضرورت‌های مطرح شدن لایحه حمایت از خانواده و نقش مجالس ۲۱ و ۲۳ شورای ملی در تصویب آن

طیبه رستمی^۱
مرتضی نورایی^۲
نزهت احمدی^۳

چکیده

مطالبات زنان به‌ویژه در حیطه خانواده که از پیش از انقلاب مشروطه آغاز شده بود تا آغاز دهه ۱۳۴۰/۱۹۶۱ به نتیجه‌ای نرسیده بود و زنان همچنان در مسائلی همچون طلاق، چندهمسری، و حضانت فاقد حقوق مناسب بودند. اگرچه در اسفند ۱۳۴۱/۱۹۶۳، محمدرضا شاه با اعطای حق رأی به زنان، تحولی در موقعیت اجتماعی و سیاسی آنان ایجاد کرد، اما جایگاه حقوقی آنان در نظام خانواده همچنان شکننده و لرزان بود. به دنبال تلاش‌های بی‌نتیجه سناتور مهرانگیز منوچهریان جهت تصویب قانون حمایت از خانواده، طولی نکشید زنان حزب «ایران نوین» دولت را ترغیب به اقدامی جهت تصویب قانون ویژه‌ای در رابطه با حمایت از خانواده کردند و این لایحه در سال ۱۳۴۶/۱۹۶۷ به تصویب رسید، اما کم و کاستی‌های آن باعث شد در سال ۱۳۵۳/۱۹۷۴ یک لایحه اصلاحی در مجلس به تصویب برسد که حاوی شرایط بهتری برای زنان شد. پژوهش حاضر ضمن بررسی زمینه‌ها و ضرورت‌های مطرح شدن لایحه حمایت از خانواده، در تلاش است با تکیه بر مشروح مذاکرات مجلس، به این پرسش پاسخ دهد که مجالس ۲۱ و ۲۳ چه نقشی در تصویب لوایح حمایت از خانواده داشتند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد نمایندگان حاضر در این مجالس به گونه‌ای مستقل و جدی این لوایح را مورد بررسی قرار داده، به چالش کشیده و نشان دادند که نقش آنان صرفاً تأیید صرف لوایح دولتی نیست، به طوری که وزارت دادگستری ناچار به تغییراتی در برخی مواد آن‌ها شد.

کلیدواژه‌ها: قانون خانواده، مطالبات زنان، مجلس ۲۱، مجلس ۲۳، ایران نوین.

rostamitayebe@gmail.com
m.nouraei@ltr.ui.ac.ir
n.ahmadi@ltr.ui.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه اصفهان، ایران
۲. استاد دانشگاه اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
۳. دانشیار دانشگاه اصفهان، ایران

Role of Poets in the Emergence and Spread of Shiite Beliefs in the Timurid Period

Tayyebeh Rostami¹

Morteza Nouraei²

Nozhat Ahmadi³

Abstract

During the Timurid period (771–913 Lunar Hijri), Shiite teachings became more widely spread as a basis for the Safavids' recognition of Shiism in the next century. The Timurids' inclination towards Sufism, which is the doctrine of tolerance of their beliefs, has had a great impact on this approach, while the existence of Shiite poets has increased the growth of this phenomenon. The role of Shiite and Sunni poets in the emergence and spread of Shiite beliefs is the question of this historical research. Findings based on statistical analysis and analysis of poems of several Shiite and Sunni poets in the Timurid period identified that in this period, Shiite poets, by composing Poetical works full of Shiite beliefs, praise, and care of the Twelve Imams, observed politeness and tolerance towards Sunni beliefs and Sunni poets by composing many poems in praise of twelve imams and the minimal praise of three caliphs, having an influential role in the emergence and consolidation of Shiite beliefs and the spread of that religion. It seems that the writing of correct poetry by the Shiite elders was considered a sign of grace and lack of work in this regard, a sign of the poet's lack of skill, and it resulted in the general lack of popularity of the poems.

Keywords: Timurids, Poetical work, Shiite, Praise, Poet

1. Ph.D Candidate in history, University of Isfahan, Iran

2. Professor, University of Isfahan, Iran (corresponding author)

3. Associate Professor, University of Isfahan, Iran

rostamitayebe@gmail.com

m.nouraei@ltr.ui.ac.ir

n.ahmadi@ltr.ui.ac.ir

مقدمه

تا پیش از انقلاب مشروطه، زن ایرانی جایگاه حقوقی و اجتماعی مناسبی نداشت. موقعیت زنان در عهد ناصری به صورت جسته‌وگریخته توسط بعضی زنان مورد انتقاد واقع می‌شد. درحقیقت از چند دهه قبل از انقلاب مشروطه بر ضرورت آموزش و تحصیل همچون راهکاری برای رهایی زنان از محدودیت‌های همه‌جانبه تأکید می‌شد. در این دوره زنان دست به انتشار آثاری چون معایب الرجال، خاطرات تاج‌السلطنه و مقالاتی زدند، انجمن تشکیل دادند، مدارس دخترانه تأسیس کردند و کم‌کم خواهان رسیدگی دولت به وضع خود شدند. مطبوعات و منابع این دوره یک‌صد بر ضرورت آموزش زنان به‌عنوان تنها راهکار پیشرفت جامعه تأکید می‌کردند. این فعالیت‌ها با انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ سمت‌وسوی تازه‌ای یافت. به دنبال انقلاب مشروطه تصور می‌شد فرصتی برای مطرح ساختن مطالبات زنان در اشکال مختلف به وجود آمده است، اما حقیقت آن بود که به علت فراهم نبودن بسترهای اجتماعی عملاً این مطالبات یا امکان طرح نداشتند و یا در صورت مطرح شدن با مخالفت عمومی مواجه شدند. بعدها به دنبال روی کار آمدن رضاشاه، در حوزه مسائل زنان نیز اصلاحاتی صورت گرفت. یکی از این اصلاحات قانون جدید ازدواج بود که اجرای صحیح آن به‌واسطه مشخص نبودن دقیق سن تولد افراد، دوری و نزدیکی شهرستان‌ها و قصبات به پایتخت و بالاخره کمبود دفترخانه‌های مجاز در سراسر کشور با دشواری روبه‌رو بود (حاتمی، ۱۳۹۹: ۱۲). به دنبال کشف حجاب ظاهراً زن ایرانی از برخی محدودیت‌ها رهایی یافت. اما به‌رغم این تحولات، مشکلات همیشگی و تاریخی زن ایرانی یعنی «عدم برخورداری از جایگاه حقوقی درخور در نهاد خانواده» به قوت خود باقی بود. درحقیقت جایگاه زنان تحت تأثیر تهدیداتی چون: تعدد زوجات، سهولت طلاق، و مظلومیت زنان در مسئله حضانت، به‌شدت شکننده بود بنابراین وقایعی چون کشف حجاب به معنی آزادی زنان نبود. از این‌رو مطالبات حقوقی زنان به‌ویژه پس از سقوط رضاشاه به‌طور جدی از سوی احزاب و جریان‌های مختلف دنبال شد. اما از کودتای ۲۸ مرداد به بعد ابتکار عمل در این خصوص تقریباً به دربار و محافل و شخصیت‌های وابسته به آن محدود گردید. به دنبال تصمیم محمد رضاشاه مبنی بر اجرای اصلاحات اجتماعی که با لوایح شش‌گانه کلید خورد، لزوم تحول در جایگاه حقوقی زنان نیز کم‌کم مورد توجه قرار گرفت. بالاخره در سال ۱۳۴۶/

۱۹۶۷ انتظارات به پایان رسید و نخستین قانون نسبتاً جامع حمایت از خانواده در مجلس ۲۱ به تصویب رسید. ۵ سال بعد، در سال ۱۳۵۳/۱۹۷۴ که کم‌وکاستی‌های قانون سال ۱۳۴۶/۱۹۶۷ نمایان شده بود ضرورت ارائه یک لایحه اصلاحی بیش‌ازپیش احساس شد و بنابراین لایحه جدید در سال ۱۳۵۳/۱۹۷۴ در مجلس ۲۳ به تصویب رسید که نسبت به لایحه پیشین کامل‌تر بود. در رابطه با لوایح موردبحث و نقش مجلس در تصویب آن‌ها، تاکنون از نگاه تاریخی، پژوهشی صورت نگرفته است، برای نمونه، الموتی در رساله خود تحت عنوان «بررسی تطبیقی حقوق زنان در قوانین حمایت خانواده مصوب سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۹۱»، که در پژوهش حاضر هم مورد استفاده قرار گرفته، صرفاً از بُعد حقوقی به مقایسه تطبیقی قوانین حمایت از خانواده سال ۱۳۵۳ و ۱۳۹۱ پرداخته است و زمینه‌های تاریخی، و همچنین نقش مجالس شورای ملی را در تصویب آن‌ها نادیده گرفته است. همچنین احمدی خراسانی و اردلان هم در کتاب سناتور (فعالیت‌های مهرانگیز منوچهریان بر بستر مبارزات حقوقی زنان در ایران)، هم آن‌گونه که از عنوان کتاب استنباط می‌گردد به بررسی مسئله نپرداخته‌اند و بیشتر حول شخصیت و سرگذشت منوچهریان به بحث و بررسی پرداخته‌اند. از این رو می‌توان گفت پژوهش حاضر برای نخستین بار در تلاش است از منظری تاریخی با تکیه بر مشروح مذاکرات مجلس و تا حدودی مطبوعات آن دوره، به تبیین نقش مجالس ۲۱ و ۲۳ شورای ملی در تصویب این لوایح بپردازد. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤالات است که زمینه‌ها و ضرورت‌های مطرح شدن لایحه حمایت از خانواده چه بود؟ و مجالس ۲۱ و ۲۳ چه نقشی در تصویب لوایح قانون خانواده داشتند؟

وضعیت حقوقی زنان پیش از تصویب لایحه دفاع از خانواده

برای درک زمینه‌ها و ضرورت‌هایی که بالاخره به تصویب لوایح حمایت از خانواده در سال‌های ۴۶ و ۵۳ منجر شد باید به بررسی وضعیت و موقعیت زن ایرانی در جامعه پرداخت و نشان داد مشکلات و مطالبات زنان به چه شکل بود.

در دوره قاجار، جایگاه حقوقی زنان چه در خانواده و چه در جامعه ناگوار بود به‌گونه‌ای که زنان به‌واسطه پدیده چندهمسری، صیغه و قوانین طلاق، شهروندان درجه دوم محسوب می‌شدند (فوران، ۱۳۷۷: ۲۰۵)؛ اگرچه به نظر می‌رسد چندهمسری بیشتر در میان طبقه

متوسط به بالا و در شهرها رایج بود. مبارزات زنان از انقلاب مشروطه تا زمان تصویب لایحه حمایت از خانواده در مجلس ۲۱، بیانگر تأکید همیشگی آنان بر مطالباتی چون حق طلاق برای زنان، و نقد مسئله چند زنی و مخالفت با تعدد زوجات و غیره بود. این مطالبات که از همان عصر مشروطه از سوی عده‌ای از زنان تجددطلب مطرح شده بود، به‌رغم حمایت برخی روشنفکران به نتیجه‌ای منجر نشد (خسروپناه، ۱۳۸۲: ۱۷)؛ زیرا جامعه هنوز فاقد ظرفیت پذیرش حقوق زنان و اذعان به آن بود، به‌طوری‌که در سال ۱۹۱۳/۱۲۹۲ سید محمد ابوالضیاء تبریزی مدیر روزنامه «ایران نو»، ارگان حزب دموکرات، به علت انتشار مقاله‌ای تحت عنوان حقوق زنان، تکفیر و به ۲۰ ماه حبس محکوم شد (فیروز، ۱۳۶۰: ۱۵). در دوران رضاشاه اگرچه به‌ظاهر اقداماتی در جهت بهبود اوضاع زنان انجام شد اما مشکلات جدی آنان به قوت خود باقی بود. بنا به ادعای روزنامه کوشش کشف حجاب سرآغاز اوضاعی بهتر برای زنان بود چراکه آنان تا قبل از کشف حجاب حق نداشتند در کوچه با مردها صحبت کنند یا حتی با خانواده خود حرکت کنند و یا در درشکه کنار برادر، پدر و یا همسر خود بنشینند. در پیاده‌روها هم نوعی حالت تفکیک وجود داشت؛ در یک طرف پیاده‌رو زن‌ها با چادر سیاه حرکت می‌کردند و در طرف دیگر مردها با عبا و سرداری راه می‌رفتند. شب‌ها در ساعت معینی زنان حق عبور و مرور نداشتند و حتی برای انجام کارهای ضروری همچون مراجعه به پزشک یا دواخانه نمی‌توانستند از خانه خود بیرون بیایند؛ درواقع آن‌ها جزو جامعه محسوب نشده و از هیچ‌گونه حقی برخوردار نبودند (کوشش، ۱۳۱۹: ۳). علاوه بر این، در دوره رضاشاه اقدامات مثبتی همچون شرط سن بلوغ در ازدواج، الغای محاضر شرعی غیررسمی، لزوم ثبت ازدواج‌های دائم و موقت در وزارت دادگستری، و غیره به نفع زنان انجام گرفت، و مواد قانونی مربوط به طلاق طی سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۹ دستخوش تغییرات شد، اما به‌رغم این اقدامات، مشکلات جدی زنان از جمله یکی از مهم‌ترین آن‌ها، یعنی قانون تعدد زوجات همچنان باقی ماند (آفاری، ۱۳۷۷: ۹۶).

الف. تعدد زوجات

مردان می‌توانستند بدون مواجهه با هیچ نوع محدودیتی زن خود را طلاق بدهند و حتی بنا به روایتی اغراق‌آمیز در صورت خطای زن، مردان می‌توانستند آنان را بکشند (پولاک،

۱۳۶۸: ۱۵۱). چنان‌که گفته می‌شود، در نگاه بیشترین مردان چیزی جز کالا و کنیز نبودند، از این‌رو مردها به چندمتری روی می‌آوردند (آفاری، ۱۳۷۷: ۴۷-۴۵). شاید این دیدگاه در خصوص موقعیت زن ایرانی اغراق‌آمیز به نظر برسد اما در این رابطه روایت منابع داخلی هم با نگاه وی مطابقت دارند. برای نمونه، به عقیده تاج‌السلطنه: «زن‌های ایرانی از نوع انسان مجزا شده و جزو بهایم و وحوش هستند.» (تاج‌السلطنه، بی‌تا: ۹۸). در همین رابطه، جمال‌زاده در مطلبی تحت عنوان «فلج شقی، پستی حالت اجتماعی زنان» جایگاه زن ایرانی را اندکی بهتر از کنیزان زرخرید و دواب بارکش می‌دانست (روزنامه کاوه، ۱۳۳۹ ق: ۱). نامه بانوان با انتقاد از وضعیت زنان در ایران معتقد بود مردان، زنان را تا حد «حیوانات و حشرات الارض» تنزل داده‌اند (نامه بانوان، ۱۲۹۹: ۱). در همین راستا، زنان «طایفه بی‌سروپا» قلمداد می‌شدند که بویی از حیا نبرده بودند (باغدار دلگشا، ۱۳۹۸: ۶۴). این‌ها نمونه‌هایی از توصیفات منفی در باب موقعیت زنان ایران در اواخر عصر قاجار بود. باید یادآور شد وضعیت زنان در روستاها و در میان عشایر که بیشتر جمعیت ایران را تشکیل می‌داد به‌گونه‌ای دیگر بود. در این دو عرصه زنان همدوش مردان در فعالیت‌های اقتصادی و عمومی مشارکت داشته‌اند از این‌رو احتمالاً اشارات فوق بیشتر به زنان شهری بوده باشد که به دنبال تحولاتی که در دوران پهلوی، به‌ویژه پهلوی دوم روی داد، اولاً نسبت جمعیت شهری به روستایی افزایش یافت و ثانیاً موقعیت زن شهری هم دیگر مانند اواخر عصر قاجار نبود و تاحدودی بهبود یافت، هرچند بخش زیادی از محدودیت‌های جدی آنان همچنان باقی بود.

در حال موقعیت نامطلوب زنان در اواخر عصر قاجار و تا حدودی پهلوی اول، دست مردان را در سهولت طلاق زنان و یا روی آوردن به چندمتری باز می‌گذاشت. چنین مردانی با استناد به آیه ۳ سوره نسا تعدد زوجات را حق طبیعی خود می‌دانستند. (مکتب اسلام، ۱۳۴۴: ۴۷-۴۵) مدافعان چندمتری و تعدد زوجات به‌ویژه با استناد به اینکه:

۱. نیروی جنسی در همه افراد یکسان نیست و برخی نمی‌توانند به یک همسر محدود باشند،

۲. زنان موانع ماهانه دارند و همچنین در دوران بارداری خود با محدودیت‌هایی مواجه می‌شوند،

۳. برخی از زنان قدرت باروری ندارند؛

تعدد زوجات را جایز می‌شمردند (مکتب اسلام، ۱۳۴۹: ۵۱).

این در حالی بود که مخالفان تعدد زوجات معتقد بودند اگرچه قرآن این پدیده را به شرط رعایت عدالت جایز شمرده است اما کمتر مردی می‌تواند نسبت به دو زن رفتاری برابر داشته باشد، لذا بایستی قوانین شرعی مربوط به ازدواج اصلاح شود (آفاری، ۱۳۷۷: ۴۷-۴۵). زنان به چندهمسری مردان خو گرفته و با آن کنار آمده بودند. چه بسیار زنان پنجاه‌ساله و دختران چهارده‌ساله‌ای که بدون هیچ حق اعتراضی زندگی ستم‌بار هووداری را باهم تحمل می‌نمودند. درواقع زنان چنان به این آداب‌ورسوم غلط و تحمیلی تن در داده بودند که دلیلی برای تغییر آن نمی‌دیدند تا آنجا که در سال ۱۳۲۱/۱۹۴۲ حتی بانوان بنیان‌گذار «تشکیلات زنان ایران» با این استدلال که مبدا شیرازه خانواده از هم بپاشد، نه‌تنها موافق استقلال زن از مرد نبودند، بلکه بیشتر معتقد به فرمان‌برداری و تمکین از آنان بودند (فیروز، ۱۳۶۰: ۲۹-۲۲).

ب. سهولت طلاق

یکی از بزرگ‌ترین تهدیداتی که متوجه هر زنی بود و ثبات زندگی و سرنوشت او را در چشم به هم زدن از هم می‌گسیخت، سهولت طلاق بود. مردان با استناد به قرآن و احادیث پیامبر اعلام می‌کردند: «خدا آسان کرده که هرگاه یکی به دل‌مان ننشست یکی دیگر بگیریم. طایفه انائیه حکم جاریه دارند، ممکن است چندین زن اختیار نماییم محتمل است که یکی از آنها مطبوع اتفاق افتد.» (خسروپناه، ۱۳۸۲: ۸۴-۸۳). بنابراین مردی که می‌خواست از زن خود جدا بشود کافی بود که به محاضر شرع مراجعه کند و حتی بدون اطلاع همسرش، او را طلاق دهد (فیروز، ۱۳۶۰: ۲۲). بدین ترتیب زنان را از فرزندانشان جدا کرده و از خانه و کاشانه می‌راندند و زن هم بدون آنکه راهی به جایی و امیدی به کسی داشته باشد، بی‌کس و سرگردان رها می‌شد (فیروز، ۱۳۶۰: ۲۲). جریده جهان زنان در تأیید این وضعیت نوشته بود: «... دیده‌ایم که زنی با چند فرزند از خانه شوهر بدون کوچک‌ترین توجهی رانده شده است.» و در ادامه از این زنان آواره می‌خواست برای احقاق حقوق خود با همدیگر متحد شوند (جهان زنان، ۱۳۳۲: ۱-۲).

ج. بی‌سرپرستی و بی‌سرپناهی زنان

بی‌سرپرستی و بی‌سرپناهی زنان که روزه‌روز گسترش می‌یافت، یکی دیگر از معضلات موردتوجه سازمان‌های دفاع از زنان بود. گزارش‌های مربوط به زنان بی‌سرپرست و بی‌سرپناه به‌ویژه در روزنامه‌های چاپ انعکاس خاصی داشت برای نمونه، جهان زنان به سرگذشت شوم دختری از یکی از روستاهای ساری اشاره می‌کرد که بعد از فوت پدر و مادرش توسط ارباب روستا و عمال وی قربانی انواع و اقسام سوءاستفاده‌ها شده بود و در آستانه هجده‌سالگی به زنی پانجاه‌ساله می‌مانست (جهان زنان، ۱۳۳۰: ۵). در لاهیجان، زن بچه‌داری که پس از مرگ شوهرش از کار اخراج شده و دست به خودکشی زده بود در بیمارستان ملتمسانه از دکتر می‌خواست وی را نجات ندهد چون درهرحال از گرسنگی و سرمای زمستان هلاک خواهد شد (جهان زنان، ۱۳۳۰: ۵). بسیاری از چنین زنان بی‌سرپرست و بی‌سرپناهی به دامن فساد و فحشا نیز کشیده می‌شدند. چنانکه، در بخشی از عریضه‌ای که عده‌ای از روسپیان رشت در اعتراض به تعدیات بلدیه آن شهر به مجلس شورای ملی نوشته‌اند آمده است ما «کمینه‌گان نسوان معروفه مقیمه شهر رشت که از شدت بدبختی و پریشانی و نداشتن یک نفر سرپرست زیر بار ننگ و مذلت و روسیاهی ابدی تن در داده و محض اضطراب و ناچاری از نفیس‌ترین سرمایه هستی خود که عفت و عصمت است دست کشیده و خود را مورد شهوت‌رانی آشنا و بیگانه واقع ساخته‌ایم.» (کمام، دوره هشتم، پوشه ۱۰۷). از این نمونه عرایض پیداست که عدم‌حمایت از زنان بی‌سرپرست تا چه میزان در رواج فحشا تأثیرگذار بوده است، البته اگرچه داشتن سرپرست و سرپناه نیز همواره به معنی برخورداری از امنیت و حیات باثبات نبود.

د. مسئله حضانت

یکی از غیرعادلانه‌ترین نتایج فوری طلاق برای زنان، امر دشوار و غیرقابل‌تحمل جدا شدن آنان از فرزندان بود. در چنین شرایطی مادر به لحاظ قانونی هیچ حقی نسبت به فرزند خود نداشت. در خوش‌بینانه‌ترین حالت وی اجازه داشت پسرش را تا سه‌سالگی و دخترش را تا هفت‌سالگی نزد خود نگه دارد (فیروز، ۱۳۶۰: ۲۲). این سرنوشت ناعادلانه چنان بود که در سال ۱۳۴۲/۱۹۶۳ در مجلس سنا فریاد زده می‌شد زنان ایرانی مصراً از

دولت تقاضا دارند که از نظر احاله امر طلاق به محاکم و در صورت جدایی پدر و مادر حضانت اطفال به‌وسیله محاکم به یکی از طرفین که صالح باشد سپرده شود (مشروح مذاکرات مجلس سنا ۱۳۴۲/۸/۶، جلسه ۷، ۱۵). سرنوشت فرزندان طلاق تأسف بار بود؛ بسیاری از آنان گرفتار فقر و بدبختی شده، به اشخاصی فاسد تبدیل شده، و به جرم‌های مختلف دست می‌زدند.

کودتای ۲۸ مرداد و پایان رقابت برای دفاع از حقوق زنان

طی سال‌های دهه ۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ / ۱۹۵۳، بحث از حقوق و مطالبات زنان یکی از مهم‌ترین مسائل منعکس در مطبوعات و افکار عمومی بود. حزب توده در تلاش بود خود را پرچم‌دار مدافعه از حقوق زنان نشان دهد اما اگرچه به دنبال انتخابات مجلس چهاردهم در سال ۱۳۳۲ / ۱۹۴۳ که هشت تن از اعضای این حزب موفق به ورود به مجلس شورای ملی شدند انتظار می‌رفت در راستای حقوق زنان دست به اقداماتی بزنند اما تلاش‌های آنان ضدیدت با اسلام قلمداد شد و به نتیجه‌ای نرسید (سازگار، ۱۴۰۰: ۱۴۰؛ طبرانی، ۱۳۷۶: ۲ / ۶۸). حزب توده تلاش داشت جایگاه حقوقی نامناسب زنان در خانواده را در سطح بین‌المللی مطرح نماید. نماینده زنان ایران در کنگره جهانی زنان در اظهاراتی اعلام داشت که زنان در ایران از نظر حقوق خانوادگی، در حکم برده و زرخرد هستند و قانون مدنی در خانواده هیچ حقی برای آن‌ها قائل نیست و قرارداد ازدواج در ایران بیشتر از آنکه تعهدی متقابل برای بنای یک زندگی سعادت‌مند مبتنی بر عشق و دوستی متقابل باشد، به‌نوعی خریدوفروش شبیه است؛ زن تا روزی که شوهرش بخواهد در خانه او می‌ماند و روزی که نخواهد، باید از همه‌چیز دست بکشد و به خانه پدرش بازگردد (جهان زنان، ۱۳۳۲: ۷). بنا به چنین شرایطی بود که حزب توده اعلام می‌کرد که زن باید از حالت عروسک و بازیچه مرد بودن بیرون آید (نامه رهبر، ۱۳۲۱: ۲). «نهضت زنان پیشرو» که از هواداران مصدق بودند، ضمن مخالفت شدید با حزب توده، خود را تنها جریان اصیل حامی حقوق زنان اعلام می‌کرد. از نظر آنان نیز زنان ایرانی در حکم بردگان قرون وسطایی بودند و جامعه ارزشی برایشان قائل نبود (زنان پیشرو، ۱۳۳۲: ۵) زنان پیشرو با حمله به سازمان زنان حزب توده، این جمعیت را آلت دست، و فاقد صلاحیت می‌دانست. همچنین آن حزب را به تلاش

برای فریب زنان متهم کرد (زنان پیشرو، ۱۳۳۲: ۲). اما به دنبال کودتای ۲۸ مرداد و ممنوعیت فعالیت کلیه احزاب و جریانات منتقد یا مخالف حکومت، پیگیری مطالبات زنان در انحصار اشخاص و محافل وابسته به دربار قرار گرفت.

منوچهریان و طرح قانون خانواده

با آغاز دههٔ چهل، مسئله حقوق زنان و لزوم تصویب قانون حمایت از خانواده، به شدت مورد توجه قرار گرفت. شاید علت اصلی این جنب‌وجوش صدور فرمان هشتم اسفند ۱۳۴۱/۱۹۶۳ و اعطای حق رأی به زنان از سوی شاه بود؛ اقدامی که ادعا می‌شد «به آخرین ننگ اجتماعی خاتمه داد». در نتیجه این تحول، در جریان انتخابات مجالس شورای ملی و سنا برای نخستین بار در تاریخ ایران، شش زن به مجلس شورای ملی و دو زن به سنا راه پیدا کردند (سالنامه زنان، ۱۳۴۵: ۲۱ و ۲۷). باین‌حال هنوز در قانون مدنی که چگونگی وضع زن را در خانه و خانواده، و همچنین کیفیت ازدواج و طلاق و حضانت و ارث و نظایر آن را مشخص می‌کرد، تغییری ایجاد نشده بود. هنوز هم مرد هر وقت اراده می‌کرد می‌توانست زنش را طلاق دهد و کانونی را که با مساعی او به وجود آمده بود بر هم زند (اطلاعات بانوان، ۱۳۴۳: ۷). این کاستی‌ها مورد اذعان همگان و از جمله دربار بود اما استدلال می‌شد وضعیتی را که قرن‌ها مرسوم بوده نمی‌توان بلافاصله منسوخ نمود (سالنامه زنان، ۱۳۴۵: ۲۷)، به عبارت دیگر، این معضل می‌بایست به صورتی تدریجی ریشه‌کن می‌شد.

تا پیش از تصویب لایحهٔ حمایت از خانواده در سال ۱۳۴۶ تنها قوانین مرتبط با خانواده، دو مورد بودند. مورد نخست که در حوزه قوانین عادی قرار داشت؛ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۱۹۲۸ و مورد بعدی، قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰/۱۹۳۱ بود (پژوهی الموتی، ۱۳۹۴: ۶۳). طرح جامع قانون خانواده، به سال ۱۳۲۸/۱۹۵۰ و چاپ کتاب «انتقاد قوانین اساسی و مدنی و کیفی ایران از نظر حقوق زن» از سوی مهرانگیز منوچهریان بازمی‌گردد. منوچهریان که از سال ۴۲ به‌عنوان نخستین سناتور زن به مجلس سنا راه پیدا کرده و تا سال ۱۳۵۱ همچنان در این موقعیت قرار داشت، در سال ۱۳۴۲/۱۹۶۳ این کتاب را تجدید چاپ نمود و در پی آن طرح پیشنهاد قانون خانواده را به چاپ رساند (احمدی، ۱۳۸۲: ۲۳۸). او این قانون را بر مبنای اصل تساوی حقوق زن و مرد تهیه نمود. این طرح اگرچه بر اساس

قانون مدنی ایران تنظیم شده بود و بدعتی تازه به وجود نیاورده بود؛ اما چنانچه به صورت قانون درمی‌آمد و به اجرا گذاشته می‌شد، بخش مهمی از مطالبات زن ایرانی را تحقق می‌بخشید (اطلاعات بانوان، ۱۳۴۳: ۷). وی از آنجاکه مخالفت‌ها را پیش‌بینی کرده بود، اعلام کرد: «برای آنکه بدخواهان زبان به تعقیب ما نگشایند و ما را حلال کننده حرام و حرام کننده حلال ندانند» هیچ‌یک از احکام موانع نکاح را تغییر نداده‌ام (اطلاعات بانوان، ۱۳۴۳: ۷۱). به‌رغم ملاحظات فوق، طرح منوچهری حتی پیش از ارائه به مجلس، با موجی از مخالفت‌های گوناگون از سوی وزیر دادگستری (عاملی) تا علمای مذهبی مواجه گشت. گویا منوچهریان به علت پاسخ‌هایی که به وزیر دادگستری داده بود در تیرماه ۱۳۴۳ / ۱۹۶۴ به مدت ۳ ماه به تفرش تبعید شد و بدین ترتیب طرح قانون خانواده مسکوت ماند (احمدی، ۱۳۸۲: ۲۳۸). بنابراین تلاش‌های بی‌وقفه وی روی هم‌رفته به نتیجه‌ای نرسید.

دربار و قانون دفاع از حقوق زنان

آن‌گونه که اشاره شد به دنبال کودتای ۲۸ مرداد و سرکوب کلیه احزاب، انجمن‌های سیاسی زنان رو به افول گراییده و هر نوع تحول حقوقی در جایگاه زنان به دربار محدود شد (چمنی، ۱۴۰۰: ۲۳۳-۲۳۴). منظور از دربار نه شاه، بلکه بیشتر اشرف و فرح پهلوی بودند. نخستین ایفای نقش فرح پهلوی در مسئله دفاع از خانواده در خرداد ۱۳۴۳ بود. این مسئله از طرف گروهی از زنان وابسته به دربار به رهبری فرح دیبا در تاریخ ۴ / ۳ / ۱۳۴۳ / ۱۹۶۴ مطرح شد و در مجلات «اطلاعات بانوان» و «زن روز» بازتاب یافت. این طرح برمبنای تساوی حقوق زن و مرد و رفع تبعیض تهیه شده و در آن منع ازدواج زن مسلمان با کافر باطل شده بود. خواهر و برادر و اولاد آن‌ها به‌طور مساوی ارث می‌بردند. جدات و اجداد مادری و پدری به‌طور مساوی ارث می‌بردند، و نکاح بیش از یک زن امکان‌پذیر نبود (روحانی، ۱۳۶۴: ۲۰۷). علاوه بر فرح، اشرف پهلوی نیز از چهره‌های تأثیرگذار در پیگیری مطالبات زنان بود. وی در کنگره شورای بین‌المللی زنان تهران، اعلام داشت که هدف اصلی ارتقاء زن فقط مبارزه با تعصبات و تبعیضات نیست، بلکه تساوی حقوق برای عموم افراد بشری است، و تأکید کرد که استرداد حقوق در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، مدنی، اجتماعی و آموزشی باید مبنی بر عدم تبعیض از لحاظ نژاد، جنس، زبان و دین باشد (سالنامه زنان ایران، ۱۳۴۵: ۱۳۹).

درواقع برخلاف باور عموم، شاه روی هم‌رفته نگاه مثبتی به زنان نداشت. او حتی بعدها در سال ۱۳۵۲/۱۹۷۳ در مصاحبه‌ای اعلام کرد که زنان در زندگی یک مرد فقط وقتی مهم هستند که زیبا باشند و زنانگی‌شان را حفظ کنند؛ و در جایی دیگر در پاسخ به این سؤال که چرا از آرمان زنان دفاع می‌کند اعلام کرد که «چون مترقی هستم» بنابراین به نظر می‌رسد دفاع شاه از حقوق زنان صرفاً با هدف تظاهر به ترقی‌خواهی بوده باشد (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۱۴۱-۱۳۹). درواقع بایستی ریشه‌های مطرح شدن لایحه دفاع از خانواده در مجلس شورای ملی را بیشتر متأثر از فعالیت فعالان حقوق زنان و حمایت فرح دانست. در این رابطه باید سمینار تعیین‌کننده زنان حزب «ایران نوین» با حضور وی در سال ۱۳۴۵ را نیز واقعه‌ای تأثیرگذار دانست. هدف این سمینار ضرورت «بررسی حقوق حقه‌ای» عنوان شده بود (احمدی، ۱۳۸۲: ۲۶۶). در قطعنامه این سمینار، زنان حزب ایران نوین به دولت حزبی توصیه کردند طبق اصل سوم مرام‌نامه آن حزب لایحه‌ای برای حمایت از خانواده‌ها به مجلس شورای ملی تقدیم دارد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۱۳۴۶/۱۲/۱۸: جلسه ۳۹، ۲) قطعنامه پایانی سمینار حاوی پیشنهادهای درباره حضانت و حمایت اطفال، تشکیل محاکم خاص برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی، برابری حقوق و مزایای زنان کارگر با مردان، رفع تبعیض در احراز مشاغل از زنان کارمند، و غیره بود (سالنامه زنان ایران، ۱۳۴۵: ۱۴۲). در پی این درخواست، دولت از طریق وزارت دادگستری وارد عمل شد و کمیسیون دادگستری در جلسه ۲۳ فروردین‌ماه ۱۳۴۶/۱۹۶۷ لایحه شماره ۱۶۲/م-۱۰/۱۲/۱۳۴۵/۱۹۶۷ راجع به حمایت خانواده را مطرح نمود (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۱۳۴۶/۱/۲۷: جلسه ۳۵۰، ۵).

مواضع نمایندگان نسبت به لایحه دفاع از خانواده

لایحه دفاع از خانواده در دو شور، در جلسات ۳۵۰ و ۳۵۸ مجلس ۲۱ به ترتیب در ۲۷ فروردین و ۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۶/۱۹۶۷ مورد بررسی نمایندگان قرار گرفت. در هرکدام از این جلسات اظهارنظرهایی ابراز شد که در اینجا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

الف. شور اول

در شور اول بررسی لایحه در ۲۷ فروردین انتقاداتی ابراز گشت که مهم‌ترین آن‌ها از

سوی دکتر غلامرضا مبین بود. چنانکه او معتقد بود که در این لایحه به جای اینکه به وظیفه مادری و تکالیف مادر توجه بشود، بیشتر به طلاق و کیفیات آن توجه شده است. وی سپس اعتراض کرد که ولایت مادر به هیچ وجه حتی در عرض ولایت پدر و جد پدری فرزند هم نیست و یک مادر نمی‌تواند حتی فرزندش را در مدرسه ثبت نام کند. سپس در واکنش به ماده ۱۵ که اگر مردی متأهل بدون اجازه دادگاه به ازدواج دوم اقدام کند تحت پیگرد قرار خواهد گرفت، پرسید تکلیف ازدواج دوم چنین مردانی چه خواهد شد؟ وی در خاتمه نتیجه گرفت بدین وسیله ما راه را برای ازدواج دوم مردان باز گذاشته‌ایم و مردان در قبال مجازاتی ناچیز می‌توانند به ازدواج دوم اقدام کنند. (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۱/۲۷ / ۱/۱۳۴۶: جلسه ۳۵۰، ۱۲) مرتضی قلی کیان نیز به مخالفت با ماده ۱۸ پرداخت که طلاق بین زن و شوهر را تحت شرایطی خاص غیرقابل رجوع می‌داندست و خواستار حذف این ماده شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۱/۲۷ / ۱/۱۳۴۶: جلسه ۳۵۰، ۱۵).

ب. شور دوم

لایحه پس از شور اول و پیشنهادات نمایندگان دوباره مورد بازبینی قرار گرفت و در ۲۸ اردیبهشت جهت شور دوم تقدیم مجلس شد. صادق احمدی ماده ۹، که طلاق را منوط به رضایت طرفین کرده بود، را مغایر با فلسفه وجودی لایحه دانست و خواستار تلاش بیشتر دادگاه برای اصلاح بین طرفین و جلوگیری از طلاق شد. وی معتقد بود چه بسا زنان و مردان از روی عصبانیت تصمیم به طلاق بگیرند و چندی بعد دچار ندامت شوند. احمدی هشدار داد سرنوشت فرزندان چنین زوج‌هایی نباید دستخوش تصمیمات عجولانه آنان قرار گیرد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۱/۲۸ / ۲/۱۳۴۶: جلسه ۳۵۸، ۲۰). دکتر مبین این بار هم تقاضای پیشین خود در شور اول مبنی بر تعیین مادر به عنوان ولی قهری سوم فرزند (بعد از پدر و جد پدری فرزند) را تکرار، و از اینکه با وجود عدم تضاد بین این تقاضا با دستور شرع و قانون مدنی، وزارت دادگستری همچنان از ترتیب اثر به تقاضای او خودداری می‌کند، گلایه کرد. مبین همچنین به مخالفت مجدد با ماده ۱۵ (ماده ۱۴ شور اول) پرداخت که ازدواج دوم را به دنبال مجازات چند ماه حبس برای مرد مشروع می‌ساخت. او سپس به انتقاد از ماده ۱۹ نیز پرداخت که در رابطه با مجازات سردفترانی بود که بدون حکم دادگاه

صیغه طلاق را جاری می‌کردند. (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۲۸ / ۲ / ۱۳۴۶: جلسه ۳۵۸، ۲۸ و ۲۴) مهدی شیخ‌الاسلامی نیز در تکمیل سخنان او خواستار مجازاتی سنگین‌تر برای سردفتران خاطی شد؛ چراکه به عقیده وی مجازات‌های سنگین از تکرار چنین تخلفاتی جلوگیری می‌کرد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۲۸ / ۲ / ۱۳۴۶: جلسه ۳۵۸، ۲۹-۲۸).

تصویب لایحه

بالاخره لایحه نهایی به تصویب رسید. قانون جدید مشتمل بر ۲۳ ماده و یک تبصره بوده و به ترتیب در تاریخ ۱۵ / ۴ / ۱۳۴۶ / ۱۹۶۷ و ۲۵ / ۴ / ۱۳۴۶ / ۱۹۶۷ مورد تصویب مجلس شورای ملی و سنا قرار گرفت. این لایحه با تغییراتی جزئی، قانونی شد. برای نمونه، پیشنهاد کیان که خواستار حذف ماده ۱۸ یعنی غیرقابل رجوع بودن طلاق بین زن و شوهر شده بود، مورد موافقت قرار گرفته بود. همچنین ماده جدیدی به لایحه اضافه شده بود که دولت را مأمور اجرای لایحه مصوبه اعلام می‌کرد با این حال پیشنهادات مبینی بر ولایت مادر اعمال نشده بود.

قانون حمایت خانواده به‌طور کلی قوانین ازدواج، طلاق و روابط خانوادگی را شامل می‌شد. یکی از اصلاحات صورت گرفته در قانون جدید خانواده، در رابطه با تعدد زوجات بود. تا پیش از سال ۱۳۴۶ / ۱۹۶۷، مردها اجازه داشتند ۴ زن رسمی و هر تعداد زن صیغه‌ای که بخواهند، داشته باشند اما در قانون جدید دیگر نمی‌توانستند بدون اجازه دادگاه حتی زن دوم بگیرند. دادگاه در مورد مردی که جهت ازدواج با زن دوم خواستار مجوز بود، اقدام به تحقیق می‌کرد، و از جمله برای اطمینان از توانایی مالی وی با همسر او تماس می‌گرفت تا اطمینان یابد که آن مرد به لحاظ مالی توانایی تأمین زندگی دو زن، و برقراری عدالت میان آن دو را دارد؛ به عبارت دیگر، زن دوم اختیار کردن بدون اجازه دادگاه جرم کیفری محسوب می‌شد (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۱۴۶).

نمایندگان مجلس در دفاع از لایحه مصوبه به اظهار نظر پرداختند. دولت‌شاهی در دفاع از این مصوبه مدعی شد ماده ۸ قانون حمایت خانواده اجرای صیغه طلاق را موقوف به اجازه دادگاه کرده و در وصف اهمیت آن ادعا کرد که این ماده به یک‌باره قدرت و صلابت ماده

۱۱۳۳ قانون مدنی را شکسته است. همچنین، ماده ۱۴ این قانون نیز تجدید فراش را موکول به اجازه دادگاه کرده است و نتیجه گرفت که با توجه به شرایط زمانی و مکانی، قانون خانواده یک قانون انقلابی است. (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۱۳/۴/۱۳۴۷: جلسه ۶۸، ۴) در مجموع نمایندگان مجلس در بررسی و اظهار نظر پیرامون لایحه از دو مسئله نگران بودند:

۱. واکنش مذهب‌بیون: مخالفت با لایحه حمایت از خانواده از سوی روحانیون قابل پیش‌بینی بود. مطهری، در بحث از مخالفت قاضی ابراهیم مهدوی زنجانی، او را کسی که «بیش از همه گردوخاک می‌کرد» معرفی می‌کند (مطهری، ۱۳۵۳: ۲۶) علاوه بر زنجانی، حاج سید حسن قمی نیز در همان اسفند ۱۳۴۵/۱۹۶۷ که هنوز حتی لایحه در مجلس بررسی نشده بود از مخالفان سرسخت بود. او در نامه‌ای به هویدا ضمن خلاف شرع بودن لایحه، پرسید: «چرا می‌خواهید یک مشت زن هرزه را بر مردها مسلط کنید؟ شما نمی‌خواهد دلتان به حال این ضعیفه‌ها بسوزد و از آن‌ها حمایت کنید...» (روحانی، ۱۳۶۴: ۲۰۷). در این میان مخالفان دیگری هم بودند آن‌گونه که مطهری، قاضی ابراهیم مهدوی زنجانی را پرحرارترین مخالف لایحه مصوبه معرفی می‌کند (مطهری، ۱۳۵۳: ۲۶). در این رابطه، نمایندگان مجلس ۲۱ در جریان بررسی لایحه بارها تأکید می‌کردند که این لایحه به هیچ‌وجه تعارضی با اسلام ندارد و ادعا می‌کردند قانون خانواده از نظر هدف و اساس، همان اصول موجود در تعالیم عالی‌ه اسلامی است (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۱۱/۱۲/۱۳۴۵: جلسه ۳۳۱، ۶-۵). بنا به ادعای ابوالفضل حاذقی، این لایحه هفته‌ها در کمیسیون دادگستری مورد بحث و شور بوده و نهایت تلاش صورت گرفته بود تا با موازین شرع مقدس اسلام منطبق گردد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۲۸/۲/۱۳۴۶: جلسه ۳۵۸، ۱۶). جواد مهذب نیز در راستای متقاعد کردن افکار عمومی به منطبق بودن قانون خانواده با شرع اسلام، ادعا کرد نه تنها دولت، بلکه نمایندگان عضو کمیسیون دادگستری نیز نهایت دقت خود را کردند که مبدا لایحه ذره‌ای از مبانی اسلامی خارج شود و دو ماه به بررسی مسائل خانواده و عقد و طلاق در قرآن پرداخته بودند. علاوه بر این، در بسیاری از موارد با پیشوایان حقیقی اسلام و روحانیون بزرگ این مملکت مشاوره کرده بودند و لایحه «صددرصد طبق مبانی شرعی» تنظیم شده بود، تعدد زوجات در این قانون منع نشده است،

مرد طبق ماده ۱۴ می‌تواند زن دوم و سوم هم بگیرد و هیچ اشکالی هم ندارد، ولی همان‌طور که خدا و رسول فرموده‌اند، باید میان آنان به عدالت رفتار شود. در رابطه با طلاق نیز ادعا شد که «به‌هیچ‌وجه حق مرد گرفته نشده، طلاق یک حق مسلم مرد است و در این قانون هم کاملاً به این حق توجه شده است.» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۱۳۴۶/۲: جلسه ۳۵۸، ۳۵-۳۴).

۲. تأثیر منفی لایحه بر زنان: اما نگرانی دوم نمایندگان، از تأثیر منفی لایحه بر زنان بود. در واقع این لایحه فرصت‌ها و موقعیت‌هایی در اختیار زنان قرار داده بود که می‌توانستند جهت احقاق حقوق خود، شوهرانشان را به چالش بکشند. مصداق این نگرانی، خانم تربیت بود که معتقد بود به دنبال تصویب این لایحه تصور می‌شد هرج‌ومرجی در وضع اجتماعی پدید آید و بانوان بیش‌تر از مردان راه دادگاه‌ها را در پیش گیرند و خواستار جدایی و طلاق بشوند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۱۳۴۶/۱۰/۱۴: جلسه ۲۳، ۱۱). از این بیان صریح می‌توان نتیجه گرفت که چه‌بسا این نگرانی باعث شده باشد که برخی نمایندگان تا اندازه‌ای در پیگیری حقوق زنان قائل به محدودیت بوده‌اند.

از قانون حمایت از خانواده ۱۳۴۶ / ۱۹۶۷ تا قانون نهایی ۱۳۵۳ / ۱۹۷۴

درحقیقت نقش مجلس صرفاً در چارچوب بررسی و تصویب لایحه نبود، و زنان حزب ایران نوین و در رأس آنان نمایندگان زن مجلس، سعی در زمینه‌سازی و تسهیل اجرای مفاد قانون خانواده کردند. شوکت جهانبانی در این خصوص اعلام کرد که شورای زنان حزب ایران نوین از طرف این حزب مأموریت یافته بود برای تفهیم هر چه بیشتر قانون حمایت از خانواده، در نقاط دورافتاده اقدامات جدی به عمل آورند و در این راستا نخستین مأموریت آنان در روستای «کفتک» نزدیک شیراز به انجام رسیده بود (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۱۳۴۶/۳/۲۵: جلسه ۳۶۸، ۳). ظاهراً مسئله تفهیم لایحه به روستائیان با دشواری‌هایی روبه‌رو بود، آن‌چنان‌که ابتهاج سمیعی تأمین اعتبارات را ضامن قطعی اجرای قانون خانواده ندانست و اجرای صحیح و سریع این قانون به‌ویژه میان روستائیان و خانواده‌هایی که فاقد رشد فرهنگی بودند را مستلزم یک سلسله کارهای توضیحی پی‌گیر و سازمان‌یافته دانست که به اعتقاد او می‌بایست توسط سپاهیان انقلاب به انجام می‌رسید

(مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۱/ ۴/ ۱۳۴۶: جلسه ۳۷۰، ۸).

اما مسئله مهمی که در حفاصل تصویب نخستین لایحه قانون خانواده تا تصویب لایحه اصلاحی (۱۳۴۶ / ۱۳۵۳-۱۹۶۷ / ۱۳۵۳ / ۱۹۷۴) به تدریج خود را نشان می‌داد، کم‌وکاستی‌های قانون خانواده بود. یکی از مواردی که در لایحه مصوبه مورد غفلت واقع شده بود، ازدواج‌های زودرس بود که غالباً دختران دوازده سیزده چهارده‌ساله را که قانوناً ازدواج آنان ممنوع است با تصدیق طبیب که آمادگی جسمانی به ازدواج دارد به عقد مردانی که سن و سالشان چند برابر آنان بود درمی‌آوردند. هاجر تربیت از مقامات وزارت دادگستری خواهش کرد تنها به نظر طبیب قانونی اکتفا نکنند بلکه نظر روانشناسان را هم مورد توجه قرار دهند (صورت مذاکرات مجلس شورای ملی ۱۸ / ۸ / ۱۳۴۸: جلسه ۱۵۹، ۸). در سال ۱۳۵۱ / ۱۹۷۲ مسئله دیگری مورد توجه روزنامه‌ها و رسانه‌ها قرار گرفت و آن مسئله فرار دختران از خانه بود که نشانه‌ای از بحران‌های موجود در بنیان برخی خانواده‌ها به شمار می‌رفت. علاوه بر این، قتل‌های ناموسی نیز از موضوعاتی بود که مورد غفلت واقع شده بود و تقاضا می‌شد راه‌حلی برای آن بیابند (احمدی، ۱۳۸۲: ۱۴۹).

مجلس ۲۳ و لایحه اصلاحی قانون خانواده

لزوم اصلاح قانون خانواده از همان ابتدای کار مجلس ۲۳ مورد بحث قرار گرفت. میهن دخت مزارعی در ۲۶ بهمن ۱۳۵۰ / ۱۹۷۲ انتقادات دکتر مبین در شور اول و دوم لایحه سابق (۱۳۴۶ / ۱۹۶۷) را تکرار کرد. وی اعلام کرد با همه عظمتی که تساوی حقوق زن و مرد در اصل کلی داشت، هنوز ریشه‌های نابرابری در گوشه و کنار قوانین و آئین‌نامه‌ها به چشم می‌خورد و افزود مثلاً زنی که از درآمد شخصی خود برای فرزندانش حساب پس‌اندازی باز کرده است حق برداشت از این حساب را ندارد و در عوض شوهر او با یک امضا می‌تواند تمام پس‌انداز او را برداشت نماید و پرسید آیا این تساوی واقعی حقوق بین زن و مرد است؟ او در ادامه سخنانش تلویحاً بر ضرورت اصلاح قانون خانواده تأکید کرد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۲۶ / ۱۱ / ۱۳۵۰: جلسه ۳۴، ۴) نظر به چنین انتقاداتی بود که صادق احمدی، وزیر وقت دادگستری، در ۱۹ تیر ۱۳۵۲ / ۱۹۷۲ لایحه جدید قانون حمایت خانواده را تقدیم مجلس نمود و اعلام کرد که این لایحه بیش از یک سال به‌وسیله

صاحب‌نظران، حقوق‌دانان و قضات و سایر مطلعین بررسی شده است و ابراز امیدواری کرد با تصویب آن قدم دیگری در راه تحقق هدف‌های عالی اصلاحات که در درجه اول تأمین عدالت اجتماعی است برداشته شود (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۱۳۵۲/۴/۱۹: جلسه ۱۱۷، ۱۱). لایحه پیشنهادی جدید برخلاف قانون ۲۳ ماده‌ای سال ۱۳۴۶/۱۳۴۶ از ۲۸ ماده تشکیل شده بود، بیشتر مواد سابق دچار تغییراتی شده بودند. از جمله مواد مهمی که در لایحه جدید اصلاح و یا اضافه شده بودند، ماده ۱۵ بود که به دنبال فوت پدر یا عدم صلاحیت او، ولایت قهری طفل صغیر به مادر یا جد پدری یا هر دوی آنان محول می‌شد. در ماده ۱۶ هرگاه مردی با داشتن همسر، بدون اجازه دادگاه به ازدواج با زن دوم اقدام می‌کرد، علاوه بر خود، زن دوم وی و همچنین سردفتری که چنین ازدواجی را ثبت می‌کرد هم به حبس شش ماه تا یک سال محکوم می‌شدند (لایحه اصلاحی مجلس شورای ملی ۱۳۵۲/۱۲/۲۱: جلسه ۱۵۷، ۲۷) در ماده ۲۲، ازدواج زن قبل از ۱۸ سال و مرد قبل از ۲۰ سال ممنوع اعلام شده بود اما استثنائاً زنی که سن او از ۱۶ سال کمتر نباشد هم در صورت مصلحت و تشخیص آمادگی وی برای زندگی زناشویی، می‌توانست ازدواج کند.

الف. شور اول بررسی لایحه اصلاحی

نمایندگان در ۲۱ اسفند ۱۳۵۲/۱۹۷۴ در شور اول مربوط به لایحه جدید حمایت از خانواده، به بحث و بررسی‌هایی دست زدند. یکی از انتقادات قابل توجه، به بند ۵ ماده ۸ بود که حق درخواست طلاق را این‌چنین مجاز اعلام می‌کرد: «در صورتی که به واسطه امراض صعب‌العلاج هریک از زوجین دوام زناشویی برای طرف دیگر در مخاطره باشد» طلاق میسر خواهد شد. مهرآفاق آصف‌زاده به انتقاد از این بند پرداخت و گفت اگر زن یا شوهر به مرض صعب‌العلاجی مانند سرطان گرفتار شد و درست در زمانی که به حمایت روحی و جسمی و مادی طرف مقابل نیاز دارد این حق به زن یا شوهر داده شود که با استناد به ناتوانی طرف مقابلش در انجام امورات زناشویی تقاضای طلاق کند، باید پذیرفت که این ماده فاقد جنبه انسانی است و بنابراین خواستار حذف این بنده از ماده ۸ شد. (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۱۳۵۲/۱۲/۲۱: جلسه ۱۵۷، ۴۲) عاطفه امیرابراهیمی نیز با تأیید سخنان وی، خواستار توجه به پیامدهای منفی این ماده بر سرنوشت فرزندان شد و گفت بچه حاضر است

پدر کور، شل، کر و زمین‌گیر داشته باشد اما بی‌پدر نباشد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۱۳۵۲/۱۲/۲۱: جلسه ۱۵۷، ۴۳).

در بخشی از ماده ۱۰ آمده بود هرگاه مردی بدون تحصیل گواهی عدم امکان سازش زن خود را طلاق دهد به حبس تأدیبی از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. زنان عضو پارلمان با ناچیز دانستن این مجازات خواستار حبس یک تا سه سال برای چنین متخلفانی شدند. یکی از مهم‌ترین نکات لایحه جدید ماده ۱۵ بود که ولایت قهری مادر برای طفل بعد از مرگ پدر را به رسمیت شناخته بود. اگرچه آصف‌زاده از وزیر دادگستری و نخست‌وزیر بابت گنجاندن این ماده تشکر کرد اما درعین حال به این نکته که ولایت قهری مادر بعد از ازدواج او ساقط خواهد شد، ایراد گرفت (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۱۳۵۲/۱۲/۲۳: جلسه ۱۵۸، ۱۲).

افزون بر این، ابتهاج سمیعی در باب ماده ۱۶ که بیان می‌داشت «هرگاه مرد بخواهد با داشتن همسر، زن دوم اختیار نماید باید تقاضانامه‌ای در دو نسخه به دادگاه تسلیم و علل و دلایل تقاضای خود را در آن قید نماید» مورد انتقاد قرار داد و پرسید: «هرگاه مرد بخواهد یعنی چه؟» و خاطرنشان ساخت که خواستن و هوس کردن بنیاد خانواده را متزلزل می‌کند. او سپس به شرط استطاعت مالی مرد برای ازدواج مجدد تاخت و پرسید آیا این سزاوار است که همان استطاعت مالی که زن نقش مهمی در تحقق آن داشته است علیه خود وی به کار برده شود و دادگاه با استناد به آن حکم دهد که مرد می‌تواند همسری دیگر اختیار کند، «آیا این عدالت است؟» مهروش صفی‌نیا، و ملکه طالقانی هم در تأیید سخنان سمیعی به انتقاد پرداختند و آرزو کردند زمانی برسد که هیچ زنی تن به خفت زن دوم بودن ندهد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۱۳۵۲/۱۲/۲۳: جلسه ۱۵۸، ۱۶-۱۳). آنچه آمد نمونه‌هایی از مواضع نمایندگان مجلس در شور اول بود که نشان می‌دهد نقش آنان در قبال لایحه، صرفاً تشریفاتی و نمادین نبود.

ب. شور دوم

کمیسیون دادگستری پس از انتقادات نمایندگان به لایحه در شور اول، این لایحه را با توجه به انتقادات فوق و پیشنهادهای رسیده، اصلاحاتی در آن انجام داد و برای شور دوم به

مجلس تقدیم کرد. شاید جدی‌ترین سخنان انتقادی از لایحه در شور دوم، از سوی مهروش صفی‌نیا ایراد گشت که به بند اول ماده ۱۶، یعنی مجاز بودن مرد به ازدواج با زن دوم به شرط جلب رضایت همسر نخست، اعتراض کرد و آن را در تضاد با زن و مقام و اعتلای او دانست. صفی‌نیا در بخش دیگری از سخنانش از اینکه پیشنهادات وی مبنی بر در نظر گرفتن مجازاتی سنگین‌تر برای مردهایی که برخلاف قانون همسر دوم می‌گیرند، به جایی نرسیده ابراز تأسف کرد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی ۹/۴/۱۳۵۲: جلسه ۱۷۷: ۲۷-۲۵).

ارزیابی لایحه اصلاحی مصوبه

بدین ترتیب قانون جدید حمایت از خانواده در ۲۸ ماده و ۱۰ تبصره، به تصویب رسید که نسبت به قانون سال ۱۳۴۶/۱۹۶۷ نوآوری‌هایی در عرصه حقوق زنان ایجاد نمود و روی هم‌رفته تغییراتی چشمگیر داشت (اطلاعات بانوان، ۱۳۵۲: ۳). اطلاعات بانوان که برای ارزیابی لایحه اصلاحی با چند شخصیت متخصص مصاحبه کرده بود، معتقد بود که لایحه جدید رؤیای دیرینه زنان یعنی «ولایت مادر بعد از پدر» را به رسمیت شناخته، موارد ابهام در نگهداری فرزند در صورت جدائی یا فوت پدر و مادر را از بین برده است (اطلاعات بانوان، ۱۳۵۲: ۳) اما برخلاف این اظهارات ستایش‌آمیز عده‌ای معتقد بودند تا زمانی که زن فاقد سواد و استقلال اقتصادی باشد، همچنان در برابر مرد بی‌دفاع خواهد بود (فیروز، ۱۳۶۰: ۱۳). اما یکی از قابل‌توجه‌ترین واکنش‌ها در مخالفت با قانون جدید، نامه‌ای به امضای ۳۵ دختر ۲۵ تا ۳۸ ساله خطاب به دادگاه شهرشان بود که تقاضا داشتند تحت شرایطی خاص به مردان اجازه دهند همسر دوم اختیار کنند. آنان در این نامه پرسیده بودند تکلیف دخترانی مانند آن‌ها چه خواهد شد؟ اکنون که نمی‌توانند در نقش همسر دوم وارد زندگی مردان متأهل شوند آیا باید به عنوان معشوقه وارد روابط پنهانی با آنان شوند؟ آیا باید با عقد منقطع آن‌هم بدون استحکام، با مردان متأهل زندگی کنند؟ آنان در خاتمه خطاب به قانون‌گذاران و دادگاه‌ها هشدار دادند که در پیشگاه عدل الهی دامن شما را می‌گیریم و شما را که مانع سعادت ما شده‌اید مواخذه می‌کنیم، و آن‌ها را متهم کرده بودند که با مخالفت با اختیار کردن همسر دوم، زنان و دختران را به فساد و بی‌بندوباری کشیده، و خانواده‌ها را به بی‌سروسامانی سوق داده‌اند (مکتب اسلام، ۱۳۵۳: ۵۷).

نتیجه‌گیری

بی‌تردید قانون خانواده سال ۱۳۴۶/۱۹۶۷ و سپس ۱۳۵۳/۱۹۷۵، از جمله مترقی‌ترین مصوبات مجلس شورای ملی در دوران پهلوی دوم به حساب می‌آید. نقش مجلس در مطرح کردن و بررسی و تصویب این لوایح برجسته و پررنگ بود. در واقع نخستین بار شورای زنان حزب ایران نوین بودند که از طریق حزبشان ضرورت تنظیم لایحه‌ای جهت دفاع از خانواده را به دولت و وزارت دادگستری یادآور شدند. نمایندگان نه‌تنها در قبال بررسی لایحه در مجلس نقشی تشریفاتی ایفا نکردند، بلکه در نتیجه انتقادات سازنده‌شان از مواد لایحه، کمابیش آن را دستخوش تغییرات مثبتی کردند. در جریان بررسی لایحه سال ۱۳۴۶، برخی از پیشنهادات و تذکرات نمایندگان اعمال نشدند و برخی هم بالاخره در لایحه اصلاحی ۱۳۵۳/۱۹۷۴ مورد موافقت واقع شدند. به علت نگرانی از واکنش گروه‌های مذهبی، و همچنین نگرانی از اینکه مبدا زنان از امتیازات داده‌شده به آنان وسوسه شده و راه جدایی از همسرانشان را در پیش گرفته و کانون خانواده‌ها از هم بپاشد، وزارت دادگستری و نمایندگان مجلس شورای ملی در تصویب قانون سال ۱۳۴۶/۱۹۶۷ ملاحظات احتیاط‌آمیزی در پیش گرفته بودند. با گذشت چند سال از قانون خانواده مصوب سال ۱۳۴۶/۱۹۶۷، و نمایان شدن کم‌وکاستی‌های آن، وزارت دادگستری لایحه اصلاحی جدیدی به مجلس تقدیم داشت و نمایندگان در شورهای اول و دوم بررسی این لایحه، با تسلط و دقت لازم مواد آن را به چالش کشیده و تغییراتی در آن ایجاد کردند و به تصویب رساندند که به‌مراتب از لایحه اولیه کامل‌تر و بهتر بود. در همان حال، زنان عضو حزب ایران نوین حاضر در مجلس هم با اجرای برنامه‌هایی جهت ارتقاء سطح آگاهی زنان برای آشنایی با حقوقی که لوایح مصوبه به آنان اعطا کرده بود، سعی در سازنده بودن و مؤثر واقع شدن بیش‌ازپیش لوایح مصوبه نمودند.

منابع و مأخذ

کتاب‌ها

- اتحادیه، منصوره (۱۳۹۷)، *اینجا طهران است مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۳۴۴ - ۱۳۶۹* هر ق، تهران، تاریخ ایران.
- احمدی خراسانی، نوشین، و پروین اردلان (۱۳۸۲)، *سناتور (فعالیت‌های مهرانگیز منوچهریان بر بستر مبارزات حقوقی زنان در ایران)*، تهران، توسعه.
- آفاری، زانت (۱۳۷۷)، *انجمن‌های نیمه‌سری زنان، در نهضت مشروطه*، ترجمه جواد یوسفیان، تهران، بانو.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی.
- *خاطرات تاج‌السلطنه (بی‌تا)*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدونیان، تهران، تاریخ ایران.
- خسروپناه، محمدحسین (۱۳۸۲)، *هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی*، چاپ دوم، تهران، پیام امروز.
- روحانی، سید حمید (۱۳۶۴)، *نهضت امام خمینی*، جلد دوم، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید.
- ساناساریان، الیزا (۱۳۸۴)، *جنبش حقوق زنان در ایران، طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷*، ترجمه نوشین احمدی، تهران، اختران.
- طبرانی، بهروز (۱۳۷۶)، *احزاب سیاسی ایران (۱۳۳۰ - ۱۳۳۰)*، جلد ۲، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.
- فوران، جان (۱۳۸۰)، *مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین، چاپ سوم، تهران، مؤسسه فرهنگی رسا.
- فیروز، مریم (۱۳۶۰)، *تاریخچه تشکیلات دموکراتیک زنان ایران*، تهران، جهان نما.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۳)، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

مقالات

- چمنی مقدم، مصطفی، «ملی‌گرایی و جنبش زنان ایران (۱۲۸۵-۱۳۴۲)»، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ش ۲۹، ۱۴۰۰.
- حاتمی، زهرا، «مطالعه سیر تاریخی قانون ازدواج در ایران معاصر»، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، ش ۲۴، ۱۳۹۹.
- باغدار دلگشا، علی، «حقوق زنان در مطبوعات زن‌نگار ایران از ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۵م»، ایران‌نامه، ش ۱، ۱۳۹۸.
- سازگارا، لی‌لی، «پیوند نافرجام: حزب توده و برابر خواهی زنان ایران ۱۳۰۰-۱۳۲۰»، ایران‌نامه، ش ۱، ۱۴۰۰.

پایان‌نامه

- پژوهی الموتی، مهدی (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی حقوق زنان در قوانین حمایت خانواده مصوب سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۹۱، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

اسناد

- مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی (کمام)، دوره هشتم، کارتن ۷، جزوه دان ۲۰، پوشه ۱۰۷.
- مشروح مذاکرات مجلس ۲۱، جلسه ۳۳۱ (۱/۱۱/۱۳۴۵)، جلسه ۳۵۰ (۱/۲۷/۱۳۴۶)، جلسه ۳۵۸ (۲/۲۸/۱۳۴۶)، جلسه ۳۶۸ (۳/۲۵/۱۳۴۶)، جلسه ۳۷۰ (۴/۱/۱۳۴۶) روابط عمومی مجلس شورای ملی.
- مشروح مذاکرات مجلس ۲۲، جلسه ۳۳ (۱۰/۱۴/۱۳۴۶)، جلسه ۳۹ (۱۲/۱۸/۱۳۴۶)، جلسه ۶۸ (۴/۱۳/۱۳۴۷)، جلسه ۱۵۹ (۸/۱۸/۱۳۴۸) روابط عمومی مجلس شورای ملی.
- مشروح مذاکرات مجلس ۲۳، جلسه ۳۴ (۱۱/۲۶/۱۳۵۰)، جلسه ۱۱۷ (۴/۱۹/۱۳۵۲)، جلسه ۱۵۷ (۱۲/۲۱/۱۳۵۲)، جلسه ۱۵۸ (۱۲/۲۳/۱۳۵۲)، جلسه ۱۷۷ (۴/۹/۱۳۵۲) روابط عمومی مجلس شورای ملی.

– مشروح مذاکرات مجلس سنا دوره چهارم، ۱۳۴۲/۸/۶، جلسه ۷، روابط عمومی مجلس سنا.

روزنامه‌ها

- اطلاعات بانوان، ۱۳۴۳، ش ۳۶۲، سال هشتم، ۷ اردیبهشت ماه.
- اطلاعات بانوان، ۱۳۵۲، ش ۸۳۶، سال هشتم، ۲۷ تیر ماه.
- جهان زنان، ۱۳۳۰، ش ۱۰، جمعه ۲۷ دی.
- جهان زنان، ۱۳۳۰، ش ۴، جمعه ۱۵ آذر.
- جهان زنان، ۱۳۳۲، ش ۸۶، جمعه ۲۳ مرداد.
- جهان زنان، ۱۳۳۲، ش ۸۱، جمعه ۱۹ تیر.
- زنان زنان، ۱۳۲۱، ش ۱، آذر ماه.
- زنان پیشرو، ۱۳۳۲، ش ۱۹، سه شنبه ۱۶ تیر.
- زنان پیشرو، ۱۳۳۲، ش ۲۰، سه شنبه ۱۶ تیر.
- سالنامه زنان ایران، ۱۳۴۵، تهیه و تنظیم اکواف ایران، تهران. اسفند ماه.
- کاوه، غرة ربیع الثانی ۱۳۳۹ ق، شماره ۱۲.
- کوشش، ۲۴ بهمن ۱۳۱۹، شماره ۲۴.
- ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام، ۱۳۴۴، ش ۹، سال ششم، تیر ماه.
- ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام، ۱۳۴۰، ش ۱۱، سال سوم، دی ماه.
- ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام، ۱۳۵۳، ش ۱، سال شانزدهم، دی ماه.
- نامه بانوان، ۱ مرداد ۱۲۹۹، شماره اول.
- نامه رهبر، ۱۳۲۱، ش ۶، سال اول، جمعه ۱۶ بهمن ۱۳۲۱.